

نوسانات نرخ ارز و آثار کلان اقتصادی آن

مرجانہ بشخور^۱

چکیده

در سال‌های اخیر نرخ ارز یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روند متغیرهای کلیدی اقتصاد از جمله تورم، واردات، رکود و... بوده است. در واقع، روندهای پرنوسان نرخ ارز در اقتصاد ایران نه تنها موجب تشدید فعالیت‌های سفته‌بازی و کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌شود، بلکه در روندی زنجیره‌وار موجب کاهش واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، کاهش تقاضای مؤثر و کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم، کاهش قدرت خرید و رفاه و افزایش شاخص فلاکت در اقتصاد می‌شود. بررسی روند روزانه نرخ ارز در حدود ۱۸ ماه گذشته حاکی است که از واسطه سال ۱۴۰۰ به بعد، این نرخ نوسانات بزرگی را تجربه کرده و تقریباً در کل دوره مورد بررسی صعودی بوده است. بنابراین، اگر این روندهای پرنوسان ادامه یابد موجب تعویق تصمیم‌گیری‌ها از سوی فعالان اقتصادی یا افزایش ریسک تصمیم‌گیری برای آن‌ها می‌شود که بر بخش‌های مختلف اقتصادی به خصوص بخش‌های تولید و تجارت تأثیر منفی دارد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این دوره خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به خصوص در سال‌های آخر دوره کاملاً همپای نرخ ارز و موازی با آن تغییر کرده؛ از سال ۱۳۹۷ به بعد، به رغم افزایش دستمزدهای اسمی، دستمزد حقیقی رشد منفی داشته؛ همپای کاهش صادرات، واردات کل نیز به میزان معناداری کاهش یافته است. بنابراین، از جمله راهکارهای پیشنهادی برای کاهش اثرگذاری نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلیدی عبارتند از: تلاش برای افزایش درآمدهای ارزی با استفاده از شرایط موجود در اقتصاد جهانی، تقویت صادرات غیرنفتی، افزایش تلاش‌های دیپلماتیک برای خروج درآمدهای ارزی از شمول تحریم‌ها و استفاده از این ارزها برای واردات کالاهای اساسی و استراتژیک.

واژگان کلیدی: نرخ ارز، شاخص‌های کلیدی، رفاه.

مقدمه

ارز، تولید و رشد اقتصادی را به شدت تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد و از این طریق بر متغیرهای تورم، قدرت خرید، اشتغال و سطح رفاه نیز تأثیر می‌گذارد. همچنین، وضعیت این بازار روند دیگر بازارهای مالی و حتی روند سرمایه‌گذاری مولد نسبت به سرمایه‌گذاری سفته‌بازی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، بررسی وضعیت واردات گمرکی کشور در دهه گذشته حاکی است که متوسط سهم واردات مواد اولیه

تجربه چند دهه گذشته فضای کلان اقتصادی کشور به خوبی گویای نقش‌آفرینی نرخ ارز به عنوان متغیر بسیار کلیدی در اقتصاد است. این نقش حساس نرخ ارز در جهت‌دهی به متغیرهای حقیقی و مالی اقتصاد از ساختار وابسته به درآمدهای نفتی، ساختار تولیدی وابسته به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و ساختار مصرفی وارداتی ناشی می‌شود. ایجاد نوسانات در نرخ

۱. پژوهشگر گروه اقتصاد مقاومتی و برآورد اقتصادی، مرکز پژوهشی امنیت اقتصادی تدبیر، تهران، ایران mballameh1398@gmail.com

تقاضای مؤثر و... می‌شود و در نهایت، تهدیدات امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در پی دارد.

با توجه به روند صعودی نرخ ارز - ناشی از اجرای سیاست مردمی‌سازی و توزیع عادلانه یارانه‌ها در کنار گمانه‌زنی‌ها درباره پایان مذاکرات احیای برجام و نیز بیابیه اخیر شورای حکام - ارائه تصویری از نحوه تأثیرپذیری متغیرهای کلان و کلیدی اقتصاد از این روند، سیاست‌گذاران را در اتخاذ رویکردهای صحیح برای مدیریت شوک‌های آینده اقتصاد و جلوگیری از تنزل بیشتر امنیت اقتصادی کشور یاری می‌کند. از این رو در این گزارش ابتدا به بررسی آماری تأثیرپذیری برخی از متغیرهای کلیدی اقتصادی-اجتماعی کشور از نوسانات نرخ ارز پرداخته می‌شود. سپس به بیان ملاحظات امنیت اقتصادی می‌پردازیم و بخش آخر به پیشنهاد راهکارها برای مدیریت شوک‌های آینده ناشی از نوسانات نرخ ارز اختصاص داده می‌شود.

۱- مروری بر آثار کلان اقتصادی نوسانات نرخ ارز

در نمودار شماره ۱، روند روزانه نرخ ارز از فروردین سال ۱۴۰۰ تا مهر سال ۱۴۰۱ نشان داده شده است. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، نرخ ارز از اواسط سال ۱۴۰۰، نوسانات بزرگی را تجربه کرده است. همچنین، به جز ۲ دوره تقریباً ۱ ماهه (از اواسط آذر تا اواسط دی و از اواسط بهمن تا اواسط اسفند)، در کل دوره مورد بررسی این نرخ روند صعودی داشته است. از سوی دیگر، هر جهش نرخ ارز موجب شده است که نوسانات نرخ ارز در کانال جدیدی انجام شود. برای مثال، بعد از جهش به کانال ۲۸۵۰۰۰ ریال، حدود

و واسطه‌ای از کل واردات گمرکی حدود ۶۶ درصد و متوسط سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای از کل واردات گمرکی حدود ۱۷ درصد بوده است. به عبارت دیگر، به‌طور متوسط ۸۳ درصد از کل واردات گمرکی کشور به واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای اختصاص داشته که حاکی از وابستگی بسیار زیاد تولیدات داخلی به واردات و در نتیجه، آسیب‌پذیری رشد اقتصادی از نوسانات نرخ ارز است. از سوی دیگر، بررسی اقلام وارداتی کشور حاکی است که کالاهای اساسی و استراتژیکی مانند ذرت دامی، گندم معمولی، دانه سویا، روغن دانه آفتاب‌گردان، کنجاله و جو به‌استثنای بذر، روغن خام سویا، شکر، پالم اول، برنج و چای در سال‌های اخیر جزو ۲۰ قلم اول وارداتی کشور بوده‌اند. به عبارت دیگر، نوسانات نرخ ارز به‌نوعی بر وضعیت امنیت غذایی و دسترسی آحاد جامعه به این کالاهای اساسی تأثیر می‌گذارد.

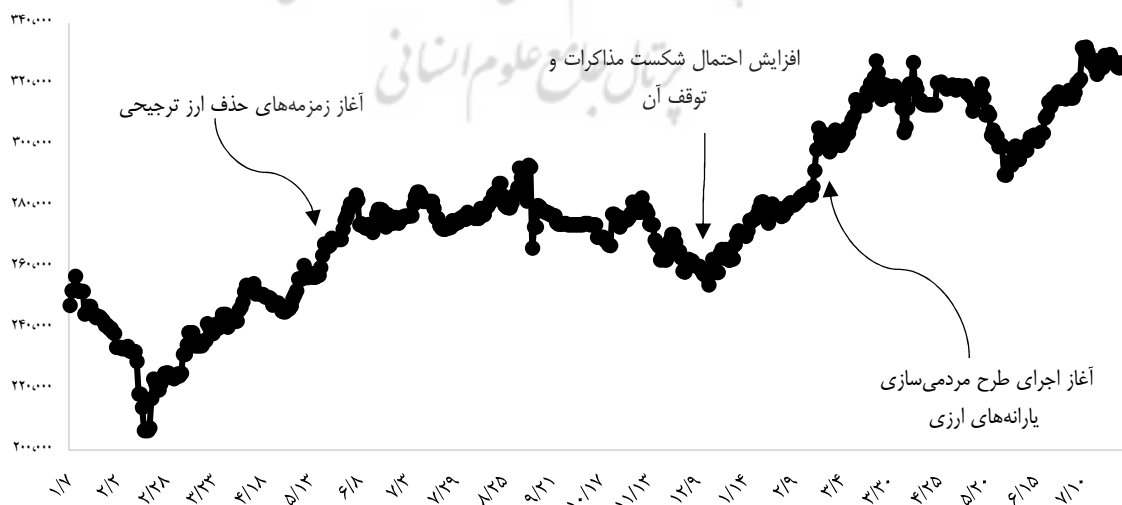
بررسی ادبیات اقتصادی و نیز روند آماری نرخ‌های ارز و تورم مؤید این است که بین نرخ‌های ارز و تورم در فضای اقتصادی کشور رابطه‌ای دوسویه برقرار است؛ به‌طوری‌که شکل‌گیری انتظارات تورمی موجب افزایش تقاضا برای ارز در راستای حفظ ارزش دارایی‌ها و در نتیجه افزایش نرخ ارز می‌شود. افزایش نرخ ارز نیز از سویی با توجه به وابستگی تولیدات داخلی به واردات موجب افزایش هزینه‌های تولید و از سوی دیگر، موجب افزایش قیمت کالاهای نهایی می‌شود که نتیجه آن، افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. مجموع ۲ اثر تورمی و رکودی ناشی از افزایش نرخ ارز موجب تأثیر منفی بر دیگر متغیرهای اقتصادی از جمله نوسانات در بازارهای مالی، افزایش نرخ بیکاری در بلندمدت یا میان‌مدت، کاهش قدرت خرید و



مختلف اقتصادی به خصوص بخش های تولید و تجارت تأثیر منفی دارد. به عقیده برخی کارشناسان، حذف ارز ترجیحی در شرایطی که کشور از منابع ارزی کافی برخوردار نیست، این احتمال را پررنگ تر می کند که در صورت جهش های دائمی این نرخ و ناتوانی بازارساز برای محدود کردن این جهش به دلیل نداشتن منابع کافی، بی ثباتی های موجود به اندازه بسیار بیشتری تشدید و نوسانات با دامنه های بزرگ تر و بزرگ تری را منجر شود. همچنین، در این نمودار نحوه واکنش نرخ ارز به اخبار مربوط به ارز ترجیحی نشان داده شده است. توضیح اینکه حذف این ارز در بودجه سال ۱۴۰۰ به تصویب رسیده بود، اما زرمه های حذف آن تقریباً از اواسط سال ۱۴۰۰ آغاز شد و طرح مردمی سازی یارانه ها نیز تقریباً از نیمه اردیبهشت سال ۱۴۰۱ به اجرا درآمد. همان طور که در نمودار مشاهده می شود، در آغاز اجرای این طرح، جهش های شایان توجهی در نرخ ارز رخ داده و از اردیبهشت به بعد نرخ ارز روند صعودی داشته است.

۶ ماه نرخ ارز در دامنه ۲۷۵۰۰۰ تا ۲۸۵۰۰۰ در نوسان بوده که حاکی از ماندگار بودن اثر برخی جهش هاست. همان طور که در نمودار مشاهده می شود، سرعت افزایش نرخ ارز در آخر دوره کمی بیشتر از ابتدای دوره است. به عبارت دیگر، از سویی با توجه شرایط فعلی اقتصاد، به خصوص انتظارات، نبود چشم انداز مثبت درباره نتیجه مذاکرات، گمانه زنی ها درباره تصاحب سهم اندک ایران از بازار نفت جهانی توسط روسیه، حذف ارز ترجیحی و احتمال فروش این ارزها در بازار آزاد، احتمال دارد روند صعودی این نرخ ادامه یابد و در کانال های جدید و بالاتری قرار گیرد. اگر این روند صعودی متوقف شود، این احتمال وجود دارد که نرخ ارز در کانال های بالاتر تثبیت شود یا نوسان کند، اما احتمال کاهش آن در شرایط کنونی چندان محتمل نیست. همچنین، اگر این روندهای پرنوسان ادامه یابد موجب تعویق تصمیم گیری ها از سوی فعالان اقتصادی یا افزایش ریسک تصمیم گیری برای آنها شود که بر بخش های

نمودار ۱- روند روزانه نرخ ارز از فروردین سال ۱۴۰۰ تا مهر سال ۱۴۰۱ (ریال)



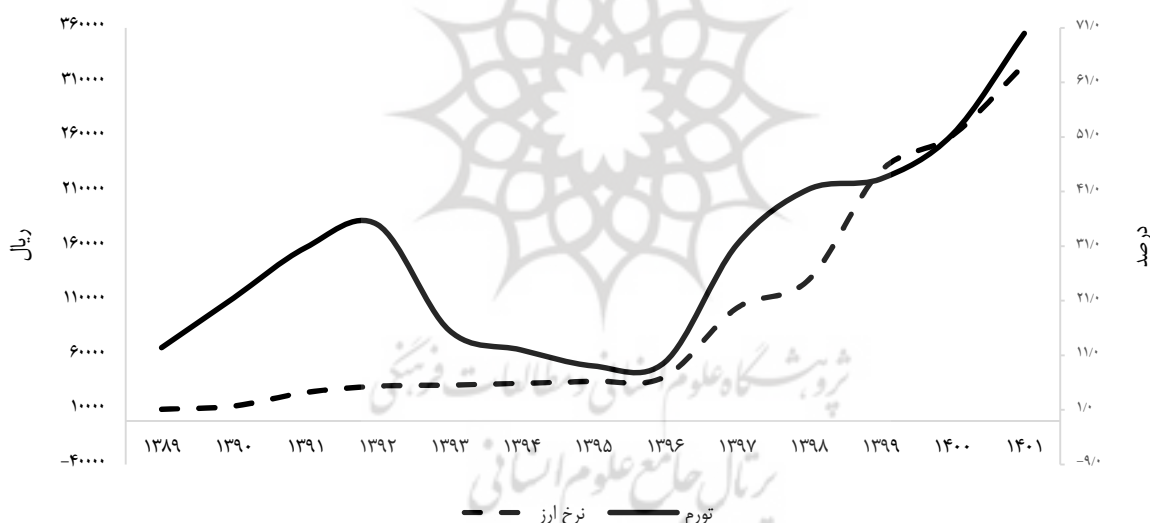
مأخذ: سامانه سنا.

۱-۱- تأثیر بر نرخ تورم

در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود که نرخ تورم همپای نرخ ارز حرکت کرده و تحت تأثیر تغییرات این نرخ است. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ که روند نرخ ارز صعودی بوده، نرخ تورم نیز روند صعودی داشته، اما در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ که روند صعودی نرخ ارز تقریباً کنترل شده، نرخ تورم نیز کاهش یافته است. همچنین، با جهش شدید نرخ ارز در سال ۱۳۹۷، نرخ تورم نیز با شیب زیاد افزایش یافته، اما در سال‌های

۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ که تا حدی نوسانات شدید نرخ ارز کنترل شده، جهت تقعر نمودار تورم تغییر کرده و این متغیر با نرخی کاهش یافته افزایش یافته است. در مقابل، در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نه تنها هر دو متغیر افزایش یافته‌اند، بلکه سرعت افزایشی مشابهی نیز دارند. باید توجه داشت که نرخ تورم افزون‌بر نرخ ارز، تحت تأثیر متغیرهای دیگری (برای مثال، انتظارات، قدرت قیمت‌گذاری عوامل خرد، ساختار انحصاری اقتصاد و...) نیز قرار دارد. این موضوع می‌تواند توجیه‌کننده فاصله بین این ۲ نمودار باشد.

نمودار ۲- روند نرخ‌های ارز و تورم در دوره ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱



مأخذ: بانک مرکزی.

۲-۱- تأثیر بر نقدینگی

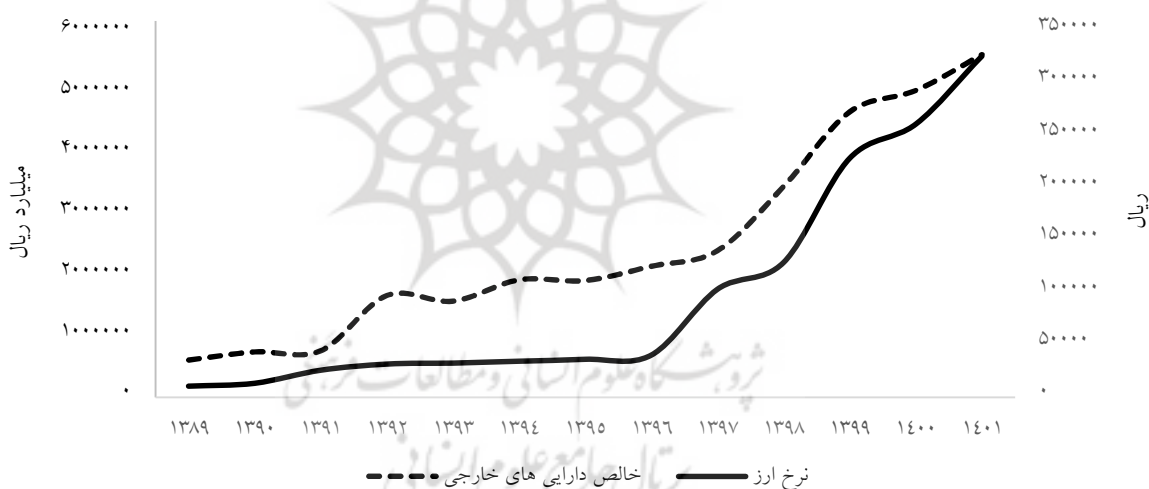
یکی از اجزای پایه پولی، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی است. افزایش مداوم و فزاینده نرخ ارز و تأثیرپذیری نسبی نرخ تسعیر (مورد توافق دولت و بانک مرکزی) دارایی‌های خارجی بانک مرکزی موجب افزایش جزء خالص دارایی‌های خارجی می‌شود و از این ناحیه، پایه پولی و به دنبال آن، نقدینگی را تقویت می‌کند. در نمودار شماره ۳، تغییرات جزء خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و نرخ ارز در دوره ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱ نشان داده

۱. مقدار تورم سال ۱۴۰۱ پیش‌بینی است.

بودجه است. با توجه به روند این نمودار، انتظار می‌رود که روند خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در سال ۱۴۰۱ نیز از روند تغییرات نرخ ارز پیروی کند. این موجب افزایش بیشتر پایه پولی و متعاقب آن، نقدینگی می‌شود. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، این موضوع در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۱ محقق شده است. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هدف دولت از آزادسازی نرخ ارز و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، تأمین بخشی از کسری بودجه خود از طریق افزایش نرخ تسعیر درآمدهای نفتی است.

شده است. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به‌خصوص در سال‌های آخر دوره کاملاً همپای نرخ ارز و موازی با آن تغییر کرده است. این نمودار تأییدی بر ۲ موضوع است. ۱- تعیین نرخ تسعیر ارز برای درآمدهای نفتی در بودجه، سیگنال‌دهنده به نرخ ارز در بازار آزاد است و ۲- یکی از منابعی که دولت برای تأمین کسری خود به آن توسل می‌جوید، تعیین تکلیف بانک مرکزی برای تبدیل درآمدهای نفتی دولت به نرخ‌های متفاوت از نرخ تسعیر تعیین‌شده در

نمودار ۳- روند نرخ ارز و خالص دارایی‌های خارجی در دوره ۱۴۰۱-۱۳۸۹



مأخذ: بانک مرکزی.

۱۴۰۱-۱۳۹۰ نشان داده شده است. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، به‌رغم افزایش دستمزدهای اسمی در سال‌های گذشته، با توجه به اینکه رشد دستمزدهای اسمی متناسب با تورم نبوده، دستمزد حقیقی رشد منفی را تجربه کرده است. همچنین،

۳-۱- تأثیر بر تقاضای مؤثر

برای بررسی آثار اجرای این سیاست بر تقاضای مؤثر از جمله شاخص‌های مورد بررسی، شاخص حداقل دستمزد حقیقی است. در نمودار شماره ۴، روند حداقل دستمزد حقیقی و رشد حداقل دستمزد حقیقی در دوره

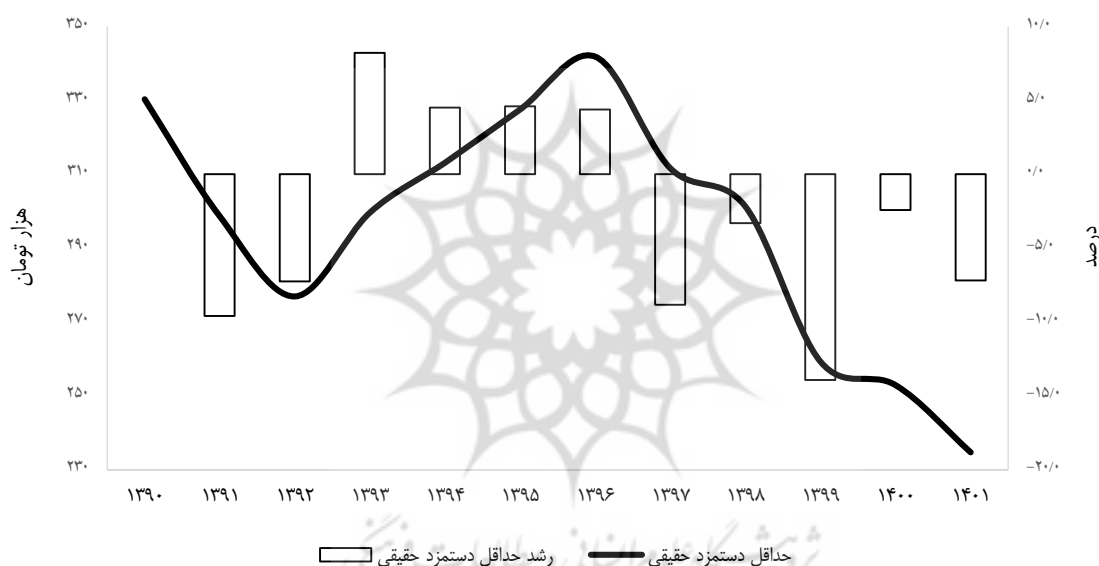
۱. آمار خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی تا تیر سال ۱۴۰۱ منتشر شده است.

۲. رقم سال ۱۴۰۱ پیش‌بینی است.

تومان بر اساس سال پایه ۱۳۹۵ افت کند. همچنین، بررسی روند کاهش دستمزدهای حقیقی حاکی است که در صورت تحقق این سناریوها، تنها در ۵ سال (۱۳۹۷-۱۴۰۱) قدرت خرید خانوارها حدود ۴۰ درصد کاهش می‌یابد. این یعنی اینکه، میزان تقاضا برای کالاها و خدمات تنها در ۵ سال دست‌کم به میزان ۴۰ درصد کاهش می‌یابد که آثار مخربی بر بخش تولید دارد.^۲

دستمزد حقیقی در برخی از سال‌ها افت زیادی داشته و در برخی از سال‌ها شیب ملایم‌تری داشته است. بر اساس پیش‌بینی‌ها، اگر شوک ارزی سال جاری اثری مشابه شوک ارزی سال ۱۳۹۷ داشته باشد،^۱ آنگاه انتظار می‌رود که نرخ تورم به حدود ۷۰ درصد افزایش یابد و حداقل دستمزدهای حقیقی تا انتهای سال به حدود ۲۳۰ هزار تومان بر اساس سال پایه ۱۳۹۰ و به ۵۸۰ هزار

نمودار ۴- روند حداقل دستمزد حقیقی و رشد آن در دوره ۱۳۹۰-۱۴۰۱



مآخذ: بانک مرکزی و وزارت کار.

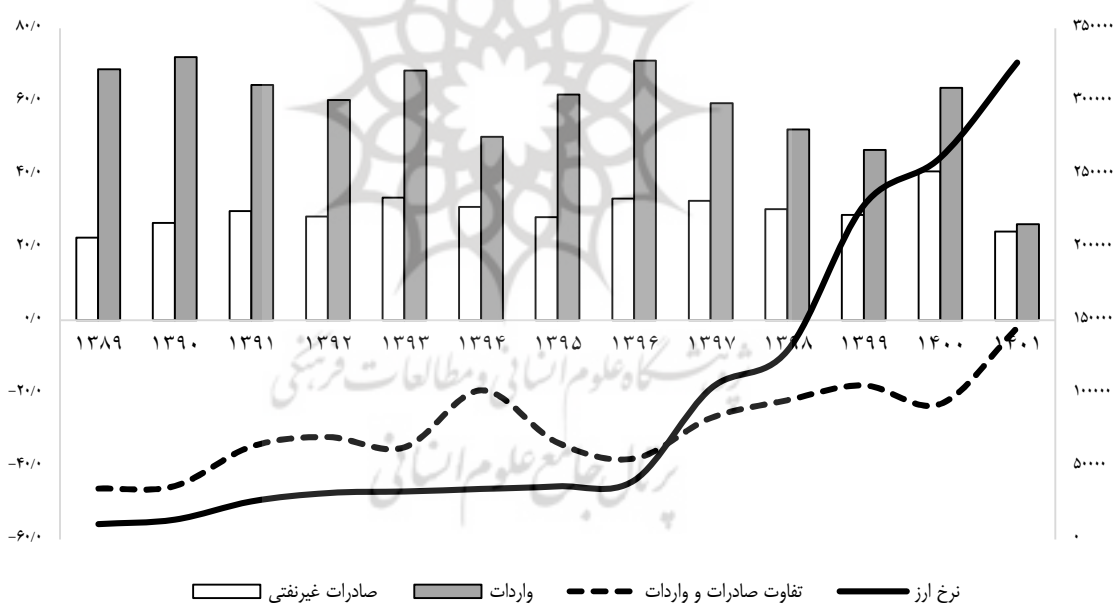
- توجه شود که این احتمال وجود دارد که شوک ارزی سال ۱۴۰۱، اثری بسیار شدیدتر از سال ۱۳۹۷ به همراه داشته باشد؛ زیرا در سال جاری نه تنها گشایشی از نظر وضعیت منابع ارزی حاصل نشده است، بلکه بازارساز دارای منابع کافی برای مدیریت نوسانات بزرگ نیست. از سوی دیگر، شرایط حاکم بر فضای بین‌المللی چشم‌انداز مثبتی برای بهبود وضعیت بازار ارز به دست نمی‌دهد. از این رو این احتمال وجود دارد که شوک ارزی سال جاری موجب افزایش چندین برابری نرخ تورم و کاهش دستمزدهای حقیقی بیشتر از مقدار پیش‌بینی شده شود.
- باید توجه داشت که بر اساس اخبار منتشرشده از سوی بانک مرکزی، ۷۰ درصد نقدینگی کشور را سپرده‌ها تسکین می‌دهند که ۹۰ درصد آن‌ها متعلق به تنها ۱ درصد جامعه است. بنابراین، برخلاف تجربه دیگر کشورها که افزایش نقدینگی‌شان با تحریک تقاضا، تحریک تولید و افزایش رشد اقتصادی همراه است، در ایران افزایش نقدینگی تنها به نفع سرمایه‌داران بزرگ عمل می‌کند و تقاضای کل جامعه را کاهش می‌دهد. مطابق اصول اقتصادی، کاهش تقاضا موجب انباشت کالاها در انبارها و سیگنال‌دهی به تولیدکننده برای کاهش تولید می‌شود. این موضوع در فرایندی زنجیره‌وار موجب کوچک‌تر شدن چرخه درآمد و درآمد سرانه می‌شود.
- سال ۱۴۰۱ پیش‌بینی است.

۴-۱- تأثیر بر تجارت

با توجه به این موضوع که بخش عمده واردات کشور را کالاهای واسطه‌ای و نهاده‌های اولیه و کالاهای سرمایه‌ای تشکیل می‌دهند، کاهش واردات به معنای کاهش واردات این اقلام است که به سخت‌تر شدن امکان ادامه فعالیت واحدهای تولیدی و در نتیجه، تعمیق رکود منجر می‌شود. همچنین، بخش عمده‌ای از کالاهای نهایی را نیز واردات کالاهای اساسی تشکیل می‌دهند که در صورت تأثیرگذاری روند افزایشی نرخ ارز بر واردات آن‌ها، می‌تواند وضعیت امنیت غذایی کشور را نیز تهدید کند.

در نمودار شماره ۵، روند صادرات غیرنفتی و واردات کشور و نیز تفاوت صادرات و واردات در مقابل نرخ ارز در دوره ۱۳۸۹-۱۴۰۱ ارائه شده است. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، در دوره مورد بررسی میزان کسری درآمدهای صادراتی برای واردات کاهش یافته است. باید توجه داشت که این روند کاهشی که به موازات افزایش نرخ ارز اتفاق افتاده، در واقع، ناشی از افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی نبوده، بلکه ناشی از کاهش عمده واردات بوده است.^۱

نمودار ۵- روند نرخ ارز، صادرات غیرنفتی، واردات و تفاوت آن‌ها در دوره ۱۳۸۹-۱۴۰۱



مأخذ: بانک مرکزی.

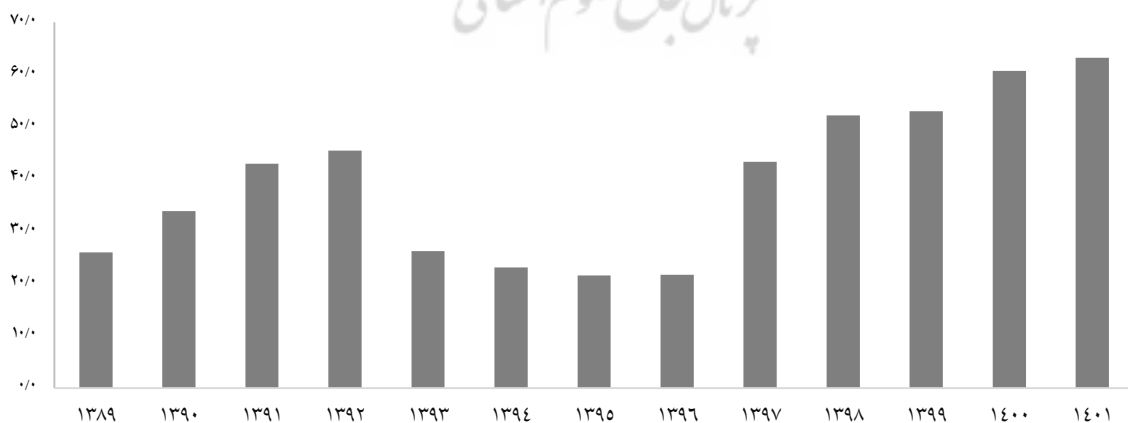
۱. آمار مربوط به ۶ ماه اول این سال است.

۲. مطابق ادبیات اقتصادی، افزایش نرخ ارز موجب افزایش صادرات و کاهش واردات می‌شود. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، افزایش نرخ ارز موجب کاهش واردات شده، اما در حدود ۱۰ سال تأثیر زیادی بر صادرات غیرنفتی نداشته است. این موضوع حاکی است که به‌رغم کاهش شدید قیمت کالاهای ایرانی در سطح جهانی، این کالاها از کیفیت لازم برای رقابت با کالاهای مشابه و در اختیار گرفتن سهم از بازارهای خارجی برخوردار نیستند.

3. <https://otaghiranonline.ir/news/43966>

سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، آمار ظاهری نشان می‌دهد که نرخ بیکاری کاهش یافته، اما باید توجه داشت که این کاهش در نرخ بیکاری ناشی از سرخوردگی اجتماعی و کاهش نرخ مشارکت نیروی کار بوده است و اگر نرخ بیکاری با در نظر گرفتن این موضوع تعدیل شود، به شاخص واقعی‌تری از نرخ بیکاری می‌رسیم که با واقعیت جامعه هماهنگ‌تر است. شاید بتوان گفت یکی از دلایل افزایش نرخ بیکاری و در نتیجه، شاخص فلاکت در کشور این است که روند افزایشی نرخ ارز موجب افزایش هزینه‌های تولید شده و بنگاه‌های اقتصادی را ناچار به تعدیل نیروی کار برای تعدیل هزینه‌های خود کرده است. مطابق آمار مرکز آمار در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۱، نه تنها نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه افزایش زیادی داشته، بلکه به‌رغم کاهش نرخ مشارکت، نرخ بیکاری در این فصل با ۰/۴ درصد افزایش نسبت به بهار سال ۱۴۰۰، به ۹/۲ درصد رسیده است. این موضوع به‌خوبی بدتر شدن وضعیت شاخص فلاکت در ایران را در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۱ به نمایش می‌گذارد.

نمودار ۶- نرخ ارز و شاخص فلاکت در دوره ۱۳۸۹-۱۴۰۱



مأخذ: مرکز آمار.

به‌طور متوسط ۸۳ درصد از کل واردات گمرکی کشور به واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای اختصاص داشته که حاکی از وابستگی بسیار زیاد تولیدات داخلی به واردات و در نتیجه، آسیب‌پذیری رشد اقتصادی از نوسانات نرخ ارز است.

۱-۵- تأثیر بر روند شاخص فلاکت

در نمودار شماره ۶، روند نرخ ارز در مقابل شاخص فلاکت نشان داده شده است. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، روند فزاینده نرخ ارز، هم در سال‌های ابتدای دوره و هم در سال‌های انتهای دوره موجب افزایش زیاد شاخص فلاکت شده است. شاخص فلاکت از مجموع نرخ‌های تورم و بیکاری به دست می‌آید. در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲، به‌موازات افزایش تورم، نرخ بیکاری نیز افزایش داشته که موجب افزایش شاخص فلاکت شده است. همچنین، در

یادشده از طرق مختلف موجب تنزل وضعیت ثبات و امنیت اقتصادی می‌شود که از جمله آن‌ها به شرح زیر است.

- تعمیق رکود: همان‌طور که گفته شد، افزایش نرخ ارز موجب کاهش قدرت خرید خانوارها می‌شود که اگر امکان جبران این کاهش برای دولت فراهم نباشد، تقاضای مؤثر و متعاقب آن، تقاضای کل کاهش می‌یابد. کاهش تقاضای کل موجب سیگنال‌دهی به بخش تولید برای تولید کمتر و بدین ترتیب، چرخه درآمدی و از این‌رو درآمد سرانه نیز کمتر می‌شود. از سوی دیگر، همان‌طور که گفته شد، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های تولیدی کشور وابسته به واردات نهاده‌های اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است. این در حالی است که در دهه گذشته شاهد کاهش واردات به موازات افزایش نرخ ارز بوده‌ایم. از این‌رو تولید از این ناحیه آسیب می‌بیند و فعالیت‌های تولیدی کاهش می‌یابد، البته این موارد ۲ کانال عمده تأثیرگذاری نرخ ارز بر تولید ناخالص و در نتیجه، رشد اقتصادی است. عوامل متعدد دیگری از جمله فرار سرمایه، کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد، ساختار انحصارگرایانه بخش تولید در اقتصاد ایران، نامساعد بودن شاخص‌های کسب‌وکار و... در کنار روند افزایشی نرخ ارز، فعالیت‌های تولیدی را بیش‌ازپیش با دشواری روبه‌رو و رکود موجود در اقتصاد را عمیق‌تر می‌کند.

- احتمال عدم تأثیر بر فساد و قاچاق یا تشدید آن: روند صعودی و پرشتاب نرخ ارز در اقتصاد ایران همواره سیگنال‌دهنده فعالیت‌های سفته‌بازی

بررسی اقلام وارداتی کشور حاکی است که کالاهای اساسی و استراتژیکی مانند ذرت دامی، گندم معمولی، دانه سویا، روغن دانه آفتاب‌گردان، کنجاله و جو به‌استثنای بذر، روغن خام سویا، شکر، پالم اویل، برنج و چای در سال‌های اخیر جزو ۲۰ قلم اول وارداتی کشور بوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، نوسانات نرخ ارز به‌نوعی بر وضعیت امنیت غذایی و دسترسی آحاد جامعه به این کالاهای اساسی تأثیر می‌گذارد.

۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

اقتصاد مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها بین متغیرهای اقتصادی-اجتماعی است. این موضوع باید در تمام سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد. در واقع، بی‌توجهی به این اصل مهم موجب می‌شود که اثر سیاست‌گذاری در نتیجه واکنش دیگر متغیرها در جهت عکس، خنثی شود و آن سیاست به نتیجه مورد نظر نرسد. برای مثال، در اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی اگر هدف بهبود وضعیت رفاه خانوارها، جبران قدرت خرید ازدست‌رفته آن‌ها و مبارزه با فساد و فعالیت‌های رانت‌جویانه باشد، این اهداف زمانی محقق می‌شود که نوسانات پر دامنه و روند صعودی و پرشتاب نرخ ارز تحت کنترل قرار گیرد. در غیر این صورت همان‌طور که گفته شد، تأثیرگذاری این متغیر بر مجموعه‌ای از متغیرهای کلیدی اقتصاد مانع از تحقق این اهداف می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، اثر نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای

در صورت سیاست‌ورزی درست برای بهره‌گیری از فرصت موجود، ایران نه تنها می‌تواند از افزایش قیمت نفت بهره ببرد، بلکه سهم بازاری از دست‌رفته خود را در بازار جهانی نفت با سهولت بسیار بیشتر باز پس می‌گیرد. این موضوع منابع ارزی کشور را تقویت و بازارساز را در کنترل نوسانات بزرگ یاری می‌کند.

- افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های

مولد: ادامه‌دار بودن روند پرشتاب و صعودی نرخ ارز موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌شود و فرار سرمایه‌های داخلی و خارجی را تشدید می‌کند. ادامه‌دار بودن نوسانات بزرگ نرخ ارز موجب تعلل فعالان اقتصادی در اتخاذ تصمیمات تولیدی تا زمان بازگشت ثبات نسبی به بازار ارز می‌شود.

- کاهش تاب‌آوری اجتماعی: همان‌طور که گفته شد، روند نرخ ارز با تأثیر بر ۲ متغیر بسیار مهم رشد اقتصادی و تورم بر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی از جمله قدرت خرید خانوارها، شاخص فلاکت، سطح رفاه و شکاف طبقاتی تأثیرات زیادی دارد و موجب کاهش تاب‌آوری اجتماعی در برابر این فشارها می‌شود. کاهش تاب‌آوری اجتماعی با تشدید اعتراضات همراه و موجب ریزش پایگاه اجتماعی دولت می‌شود.

در این حوزه است. به نظر می‌رسد اگر این روند صعودی ادامه یابد، قاچاق دلاری کالاهای تولیدی بسیار سودآورتر از پیش باشد؛ زیرا با این‌گونه فعالیت‌های غیرقانونی، معادل ریالی بیشتری به دست می‌آید. وجود نوسانات بزرگ در نرخ ارز همواره فرصت فعالیت‌های سفته‌بازی را برای عوامل اقتصادی مهیا می‌کند. گاه این فعالیت‌ها موجب آربیتراژ و در نتیجه، یکسان شدن نرخ ارز می‌شود، اما واقعیت اقتصاد ایران این است که از بین ۵ نرخ ارز رایج در بازار ارز (ترجیحی، نیمایی، سنایی، بازار متشکل و آزاد)، تنها یک نرخ حذف شده و بازار ارز در حال حاضر انرژی‌ناقص است. در این شرایط، همچنان فعالیت‌های سفته‌بازانه و احتمال شکل‌گیری فساد وجود دارد. در بسیاری از مواقع، افزایش‌های بزرگ دامنه در صورت فقدان کنترل بازار توسط بازارساز، در معاملات بعدی (با توجه به چسبندگی قیمتی موجود در اقتصاد ایران) به‌عنوان کف قیمتی جدید در نظر گرفته می‌شود و چرخه نرخ ارز، تورم و رکود را تکرار می‌کند.

ادامه‌دار بودن نوسانات بزرگ
نرخ ارز موجب تعلل فعالان
اقتصادی در اتخاذ تصمیمات
تولیدی تا زمان بازگشت ثبات
نسبی به بازار ارز می‌شود.

کشور از وابستگی به صادرات نفت دیده است (چه آسیب‌های ناشی از تحریم‌ها و چه آسیب‌های داخلی ناشی از بروز کسری بودجه، فعالیت‌های رانت‌جویانه و...)، سیاست‌گذاران همچنان بر صادرات این محصول و استفاده از درآمدهای آن به‌خصوص برای واردات کالاهای نهایی و نیز تأمین هزینه‌های جاری تأکید دارند. پرواضح است که ادامه این روند در سال‌های آینده آسیب‌پذیری اقتصاد را به‌مراتب بیش‌ازپیش می‌کند. پیشنهاد می‌شود که این درآمدها صرف ایجاد مزیت نسبی در تولید برخی کالاهای استراتژیک و بسیار پرکاربرد در صنایع مختلف در سطح جهان (مشابه آنچه کره جنوبی در حوزه دستگاه‌های الکترونیکی انجام داده است) شود. همچنین، این درآمدها باید صرف بهبود فضای کسب‌وکار و ایجاد زیرساخت لازم برای تقویت انواع صادرات غیرنفتی (و نه تنها صادرات مواد پتروشیمی و کشاورزی، بلکه محصولات صنعتی دارای فناوری‌های پیشرفته) شود. بدین ترتیب، امکان دستیابی به درآمد ارزی پایدارتر در کنار درآمدهای نفتی فراهم می‌شود. در این بین، عمل به رسالت اصلی صندوق توسعه ملی به‌جای استفاده موردی و خارج از قانون از منابع این صندوق می‌تواند کارگشا باشد. رهایی از وابستگی صرف به درآمدهای نفتی و استفاده مؤثر از این درآمدها در ایجاد ثروت ملی پایدار و تقویت صادرات غیرنفتی سال‌هاست که از سوی اقتصاددانان مورد تأکید قرار گرفته، اما متأسفانه تاکنون برنامه‌ریزی هدفمند و منسجمی برای

عوامل متعدد دیگری از جمله فرار سرمایه، کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد، ساختار انحصارگرایانه بخش تولید در اقتصاد ایران، نامساعد بودن شاخص‌های کسب‌وکار و... در کنار روند افزایشی نرخ ارز، فعالیت‌های تولیدی را بیش‌ازپیش با دشواری روبه‌رو و رکود موجود در اقتصاد را عمیق‌تر می‌کند.

راهکارهای پیشنهادی

برخی از راهکارهای پیشنهادی برای کاهش اثرگذاری نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلیدی اقتصاد به شرح زیر است.

- تلاش برای افزایش درآمدهای ارزی با استفاده از شرایط موجود در اقتصاد جهانی: یکی از فرصت‌های بالفعل پیش روی اقتصاد کشور، استفاده از فضای حاکم بر اقتصاد جهانی یعنی اعمال تحریم‌های گسترده علیه صادرات نفت روسیه است. در واقع، در صورت سیاست‌ورزی درست برای بهره‌گیری از فرصت موجود، ایران نه تنها می‌تواند از افزایش قیمت نفت بهره‌برد، بلکه سهم بازاری از دست‌رفته خود را در بازار جهانی نفت با سهولت بسیار بیشتر باز پس می‌گیرد. این موضوع منابع ارزی کشور را تقویت و بازارساز را در کنترل نوسانات بزرگ یاری می‌کند.
- تقویت بخش صادرات غیرنفتی: همان‌طور که گفته شد، به‌رغم آسیب‌های شدیدی که اقتصاد

صورت بروز بحران (برای مثال طولانی شدن جنگ روسیه و اوکراین یا با احتمال اندک، گسترده شدن دامنه جنگ به دیگر کشورها) اقدام شود تا از واردن آمدن فشارهای بیشتر بر مردم جلوگیری شود.

منابع

- بانک مرکزی.
 - سازمان توسعه و تجارت.
 - سامانه سنا.
 - مرکز آمار.
- <https://otaghiranonline.ir/news/43966>.

دستیابی به این ساختار اقتصادی مطلوب صورت نگرفته است.

- افزایش تلاش‌های دیپلماتیک برای خروج درآمدهای ارزی از شمول تحریم‌ها و استفاده از این ارزها برای واردات کالاهای اساسی و استراتژیک: در شرایط کنونی که قیمت کالاهای استراتژیک مانند غلات در حال افزایش است، ایجاد ذخایری بالاتر از حد مطلوب برای حفظ امنیت غذایی مردم بسیار حائز اهمیت است. باید توجه داشت که ایران سال‌هاست که دچار خشک‌سالی است و تأمین کل تقاضای داخلی برای این کالاها از طریق تولید داخلی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، قیمت این کالاها در بازارهای جهانی مدام در حال افزایش است. این در حالی است که ایران به درآمدهای ارزی خود دسترسی ندارد تا در صورت بروز بحران، این کالاها را حتی با قیمت‌های بسیار بالاتر تأمین کند. بنابراین، توجه کافی نکردن به این موضوع، هرچند با احتمال پایین، می‌تواند به بحرانی جدی برای امنیت اقتصادی-سیاسی کشور تبدیل شود. پیشنهاد می‌شود تا با استفاده از قدرت دیپلماسی اقتصادی در مذاکرات دوجانبه یا در مذاکرات احتمالی آینده، بخش عمده تلاش دولت بر آزادسازی ثروت ملت ایران و خروج آن از شمول تحریم‌ها متمرکز شود. در مرحله دوم باید نسبت به واردات و ذخیره‌سازی اصولی کالاهای اساسی و برنامه‌ریزی برای توزیع نظام‌مند این کالاها در بین آحاد جامعه در

